



رئیس مجلس و نفت

رئیس کمیسیون انرژی مجلس در صحن مجلس خواستار شد: پرهیز از نگاه بنگاهی به نفت و افزایش بودجه وزارت نفت

رئیس کمیسیون انرژی مجلس در صحن علنی مجلس با بیان این که نفت یک بنگاه نیست، بلکه درآمد برای کشور است، افزود: باید به این مسئله توجه داشت که وزارت نفت هزینه جاری نگهداشت، توسعه و سررسید اقساط را دارد.

سید مسعود میرکاظمی در صحن علنی مجلس در مورد سهم نفت در لایحه بودجه گفت: پیشنهاد دولت ۵٫۱۴ درصد از سهم صادرات بود، اما برای نفت حدود ۱۴٫۵ درصد از تولید را در نظر گرفته‌اند که مجموعاً در حدود ۶ میلیارد دلار سهم وزارت نفت در نظر گرفته شد. وی افزود: این در حالی است که سهم اوراق عرضه، سررسید اقساط و غیره حدود ۷ میلیارد دلار است. رئیس کمیسیون انرژی مجلس یادآوری کرد: باید به این مسئله توجه داشت که وزارت نفت هزینه جاری نگهداشت، توسعه، سررسید اقساط را دارد. وی تصریح کرد: باید به این نکته توجه داشت که نفت یک بنگاه نیست، بلکه درآمد برای کشور است و در حال حاضر بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد دلار پروژه نیمه‌تمام در وزارت نفت وجود دارد.

سخنگوی کمیسیون تلفیق:

مصوبه مجلس برای تهارت نفت خام تا سقف ۷ میلیارد دلار است

سخنگوی کمیسیون تلفیق ظهر امروز گفت: با تصویب صحن مجلس به وزارت نفت اجازه داده شد تا سقف ۷ میلیارد دلار نسبت به تهارت نفت خام و میعانات گازی اقدام کند.

جعفر قادری، سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه

در اولین روز از بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه ۹۲در صحن علنی مجلس در خصوص تبصره جز ۳-۱ تهارت نفت خام و میعانات گازی تشریح کرد:ابهامی که در صحن مجلس به این تبصره وارد شد با آوردن یک بند به آخر آن رفع شده است.وی در خصوص سقف «تهارت» گفت: در تبصره تا سقف هفت میلیارد دلار اجازه شده است.سخنگوی کمیسیون تلفیق تبصره تهارت نفت خام را کاملاً شفاف ارزیابی کرد و افزود: تهارت نفت خام مشروط به تعهدات یک میلیون و سیصد بشکه در روز با نرخ هر بشکه نود و پنج دلار است.قادری تهارت را تسریع کننده اجرا پروژه های نفتی دانست و گفت: این قانون مکانیزمی برای گذر وزارت نفت از شرایط تحریم همراه با اجرا طرح های توسعه ای صنعت نفت است.بر اساس تبصره جز ۱ بند ۳ لایحه بودجه به وزارت نفت از طریق شرکت تولیدی تابعه ذی ربط اجازه داده می شود در سقف ۷ میلیارد دلار مزاد درآمد ارزی ناشی از افزایش قیمت و مقدار نفت خام و میعانات گازی موضوع جز ۳-۱ نسبت به تهارت نفت خام و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی با پیمانکاران داخلی و خارجی، سازندگان کالا و تأمین کنندگان تجهیزات و کالا بابت مطالبات آن‌ها اقدام نماید. مقدار و ارزش ریالی هر محموله توسط وزارت نفت از طریق شرکت دولتی ذی‌ربط به حساب خزانه داری کل کشور اعلام می شود.

عضو کمیسیون انرژی مطرح کرد:

جدایی بودجه از نفت با راهکار

هیدروکربوری

عضو کمیسیون انرژی مجلس گفت: عدم خام فروشی مواد نفتی و تبدیل آن به تولیدات با ارزش افزوده تر علاوه بر اشتغال زایی از راهکارهای موثر در جداسازی بودجه از درآمد نفت است.

سید مهدی موسوی نژاد، عضو کمیسیون انرژی مجلس در باره نقش اوراق سلف نفتی در سرمایه گذاری های صنعت نفت، گفت: با انتشاراوراق سلف بخش عمده ای از منابع مورد نیاز برای سرمایه گذاری در میدان های مشترک از جمله پارس جنوبی فراهم می شود.عضو کمیسیون انرژی در فصل بودجه مجلس افزود: لازم است سازوکارهای اثربخش تر برای تأمین بودجه کشور جدا از درآمدهای نفتی طرح ریزی شود. وی در همین زمینه گفت: عدم خام فروشی مواد نفتی و تبدیل آن به تولیدات با ارزش افزوده علاوه بر اشتغال زایی یکی از راهکارهای موثر در جداسازی بودجه کشور از درآمدهای نفتی است. رهبر معظم انقلاب روز نخست سال جاری در بیانات خود در حرم رضوی تأکید کردند: «ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولتهای ما در برنامه‌های اساسی خودشان این را بکنجاند.»

دانش نفت: شبکه تحلیلگران تکنولوژی

ایران به بررسی ابهامات قانون جدید وزارت نفت درباره قراردادهای مشارکت در تولید و مقایسه این قراردادها با قراردادهای بیع متقابل پرداخته و پیشنهاداتی را درباره نحوه بهینه به کار گرفتن قراردادها در توسعه میداین نفت و گاز مطرح کرده است. اندیشکده اعتلای صنعت نفت شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران (ایتان) همزمان با تصویب قانون جدید وزارت نفت و امکان‌پذیر شدن عقد قراردادهای شبه مشارکت در تولید برای توسعه میداین نفت و گاز ایران تحلیلی درباره ابهامات این نوع از قراردادها ارائه کرده است که مرور آن همزمان با اولین پیشنهاد قراردادهای شبه مشارکت در تولید در تاریخ پس از انقلاب ایران به شرکت‌های خارجی مفید به نظر می‌رسد. این یادداشت با هدف تبیین برخی از مواد قانون وزارت نفت در زمینه حدود فعالیت های اقتصادی حوزه بالادستی مخازن نفت و گاز و رفع ابهامات ایجاد شده در رابطه با حدود سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تحریر شده است.پس از تصویب یک فوریت طرح قانون وزارت نفت که توسط کمیسیون انرژی تهیه شده است در **صحن علنی مجلس**، این طرح در هفته های آتی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار خواهد گرفت. مطابق جز، ۳ بند د ماده ۳ طرح پیشنهادی قانون وزارت نفت که به بخش تأمین منابع سرمایه گذاری اختصاص دارد وزارت نفت موظف شده است برای جذب سرمایه گذاری های مختلف به منظور توسعه میداین هیدروکربوری با اولویت میداین مشترک نسبت به «طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت موجود در مخازن و رعایت قواعد تولید صیانت شده» اقدام نماید. **طبق سیاست های کلی اصل ۴۴ و قانون برنامه پنجم حضور بخش خصوصی در عملیات بالادستی نفت مجاز است**

هرچند صدر جزء ۳ بند د ماده طرح قانون وزارت نفت، با جذب سرمایه گذاری برای عملیات توسعه میداین هیدروکربوری آغاز شده است،اما ذیل آن که انتقال مالکیت نفت و گاز درون مخزن غیر مجاز شمرده و نسبت به رعایت قواعد صیانت شده تولید هشدار داده است نشان از ورود این ماده به بحث استخراج و تولید نفت و گاز دارد. به علاوه عدم تجویز انتقال مالکیت نفت و گاز درون مخازن به معنای اجازه انتقال مالکیت آن در نقاط دیگر نظیر سطح زمین (نقطه تحویل) است و «مشارکت با سرمایه گذاران و پیمانکاران» در عملیات توسعه و تولید (عملیات بالادستی نفت) به معنای سرمایه گذاری، مالکیت (در سطح زمین) و مدیریت در این عملیات است. عملیات توسعه شامل حفاری چاه‌ها، مطالعات مخزنی و احداث تأسیسات بهره برداری و استخراج و تولید شامل مدیریت مخزن، چاه‌ها، تأسیسات سرچاهی و بهره برداری و فراروش اولیه می شود و پس از این مرحله نفت و گاز برای مصرف راهی پایانه ها می شود. بر اساس سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری جزء ۲ ذیل بند الف سرمایه گذاری و مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی شامل صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز) توسط بخش غیردولتی مجاز است و سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در معادن نفت و گاز را استثنا

پرتیر اژترین نشریه تخصصی صنعت نفت ایران

ابهامات قراردادهای جدید شبه مشارکت در تولید در مخازن نفت و گاز



خارجی، اجازه انجام عملیات استخراج و تولید برای این شرکت ها صادر گردید. نکته مهم در این اجازه ذکر عبارت « بدون حق مالکیت نسبت به نفت و گاز تولیدی» است باعث می شود حق مالکیت و اعمال تصرفات مالکانه برای دولت در میداین نفت و گاز محفوظ باقی بماند و نحوه بازپرداخت و جبران هزینه های توسعه و تولید انجام شده توسط سرمایه گذار و پیمانکار، در روشهای بیع متقابل (Buy Back) و پاداش درمقابل تولید (PAP-Payment) منحصراً دردد.

ابهام قراردادهای شبه مشارکت در تولید در مالکیت بر انتقال طبق علم مهندسی مخزن، «ذخیره قابل استحصال» بخشی از حجم هیدروکربور درجاست که توسط تکنولوژیهای موجود، تولید آن به صرفه اقتصادی است و نسبت آن به حجم درجا ضریب باززیافت نامیده می شود. تولید ذخایر میداین معمولاً طی یک دوره زمانی بیش از ۱۵ سال صورت می گیرد و سعی اصلی برحفظ سقف پروفایل نرخ تولید روزانه در حد plateau rate و نهایت کسب حداکثر نرخ باززیافت نهایی از مخزن است. در قراردادهای بیع متقابل کنونی، توسعه دهنده از نفت و گاز تولیدی سهم (بخوانید مالکیت) ندارد و صرفاً بخشی از عواید تولید میدان پس از فروش توسط شرکت ملی نفت ایران به عنوان بازپرداخت به وی پرداخت می گردد. برای توضیح بهتر فرض کنیم حجم ذخیره درجای یک میدان نفتی ۱ میلیارد بشکه و و ذخیره قابل تولید آن ۲۰۰ میلیون بشکه باشد و طی ۵ سال روزانه ۲۷۰۰۰ بشکه نفتخام بطور متوسط و در مابقی سالها تا ۲۰ سال نرخ تولید کاهشی باشد و هزینه های انجام عملیات توسعه، تأمین مالی و ریسک و سود پیمانکار (جمع بازپرداخت) آن جمعاً ۷۵ میلیارد دلار محاسبه شود. با لحاظ قیمت ۱۰۰ دلار برای هر بشکه نفت خام، معادل قیمت ۱۵ میلیون بشکه نفت خام از نفت تولیدی برای بازپرداخت قرارداد بیع متقابل این میدان می بایست به فروش رسیده و فرض مثال به مدت ۵



جریان تولیدی در یک نقطه تحویل و (۲) انتقال مالکیت حجم مشخصی از سیال تولیدی (مثلاً در یک مخزن ذخیره ای) انجام شود.دوباره فرض فوق را در شرایط جدید مرور می کنیم. برای بازپرداخت هزینه های عملیات توسعه ۳۰ درصد از تولید روزانه (انتقال مالکیت ۸۲۰۰ بشکه درروز از جریان تولید)و یا جمعاً ۱۵ میلیون بشکه نفت تولیدی تا ۵ سال (انتقال مالکیت حجمی) می بایست در یک نقطه تحویل به سرمایه گذار یا پیمانکار تحویل شود و برای جبران هزینه های تولید نیز قرارداد دیگری منعقد گردد. با فرض عدم وجود هرگونه مشکل و استمرار تولید با رعایت قواعد تولید صیانت شده، کارفرما ملزم به تحویل و انتقال مالکیت حجم نفت خام موضوع قرارداد است. بررسی هر یک از ۲ شیوه فوق در انتقال مالکیت، حاکی از انتقال مالکیت بخشی از ذخیره قابل استحصال درون مخزن به پیمانکار و سرمایه گذار (بصورت تبعات حقوق قراردادی وی) است زیرا منبع دارایی وی در هر حال بخشی از ذخایر مخزن است که درجریان تولید به وی می رسد و هیچ چیز یا هیچ کسی به جز مطابق با قرارداد نباید مالکیتش را خدشه دار کند، زیر انتقال مالکیت یک جریان سیال در حال تولید و یا حجم مشخصی از ذخیره قابل تولید از یک نقطه تحویل» به فرد دیگر، مانع حقوق مالکیت وی در نقاط قبل از تحویل نظیر درون چاه و مخزن نمی گردد و حیظه مالکیت و حاکمیت دولت در مخزن نیز می تواند مورداعای مالک جدید نفت و گاز در حال تولید باشد، زیرا اقدامات صاحب اصلی میدان برای حداکثر سازی منافع ملی، که منجر به تحت تاثیر قرار دادن سهم مالکیتی پیمانکار- مثلاً حفر چاه و تولید از قسمت های دیگر میدان با کاهش نرخ تولید- می تواند مورد شکایت وی قرار گیرد. برای مثال در صورت اهمال در تولید از میداین مشترک واگذار شده به شرکت های نفتی خارجی و داخلی توسط این شرکت ها، دست وزارت نفت برای هرگونه اقدام جبرانی جهت حفظ منافع ملی و تولید بیشتر از میداین بکلی بسته می ماند.

چند پیشنهاد اجرایی موثر

با توجه به اشکال و ابهام اصلی مورد اشاره، به نظر می رسد در شرایط کنونی تحریم سرمایه گذاری صنعت نفت و عدم حضور سرمایه گذاران و پیمانکاران خارجی به استثنای چینی ها، قراردادهای شبه مشارکت در تولید مشکلی از این صنعت را حل نکرده و دارای تالی فاسد و عواقب سوء احتمالی نیز خواهد بود. برای جذب سرمایه در توسعه میداین نفتی و گازی و حضور بخش خصوصی در عملیات بالادستی صنعت نفت، بازگشت به حکم مندرج در قانون برنامه پنجم یعنی صدور پروانه بهره برداری بدون انتقال مالکیت نفت و گاز تولیدی در عملیات اکتشاف، توسعه و تولید است که تأمین کننده حداکثری منافع ملی در انقال خواهد بود. همچنین پیشنهاد می شود به منظور رفع مشکلات و محدودیت های قانونی و مقرراتی شرکت های تولیدکننده نفت برای نگهداشت و افزایش تولید نفت و گاز، رابطه مالی این شرکت با وزارت نفت مستقیم شده و هزینه های جاری و نگهداشت تولید آنها از طریق قراردادهای مستقیم پاداش تولید (PAP) جبران شود و برای طرح های توسعه ای نیز درصدی از ارزش نفت و گاز تولیدی طبق قانون اصلاح قانون نفت و اختصاص یابد. این نوع قراردادهای حتمی برای حضور شرکت های صاحب صلاحیت که از وزارت نفت برای عملیات بالادستی نفت پروانه می گیرند نیز کاربرد خواهد داشت، مضافاً آنکه برخلاف شرکت های دولتی، این شرکت ها اجازه استفاده از تسهیلات ارزی صندوق توسعه ملی نیز دارند.

بازگشایی دروازه صادرات گاز ایران به امارات

رونمایی از هاب جدید گاز خلیج فارس

انرژی اخیرا پیشنهاد داده اند که ایران بریا صادرات گاز به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، قراردادهای فصلی را در دستور کار قرار دهد. بر این اساس در فصول گرم و تابستانی سال گاز مزاد ایران به کشورهای عربی صادر شود و با فروکش کردن گرمای هوا در پنج ماهه پایانی سال گاز صادراتی صرف تأمین سوخت و انرژی نیروگاه ها، صنایع، مشترکان خانگی و تجاری شود. اکبر ترکان بیشتر با بیان اینکه ایران قطعاً شرایط امروزی تحریم های نفت و گاز را پشت سر می گذارد، تأکید کرده بود: با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران باید قراردادهای فصلی فروش گاز را تدوین و اجرایی کند. معاون اسبق برنامه‌ریزی وزارت نفت با بیان اینکه در قالب قراردادهای ۶ ماهه ایران باید به صورت فصلی امکان صادرات گاز به کشورهای مختلف وجود دارد، گفته بود: اکثر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، عراق و حتی پاکستان در فصل تابستان بیش از زمستان به گاز نیاز دارند. وی با تأکید بر اینکه ایران هم در فصل تابستان ظرفیت مازادی برای صادرات گاز طبیعی در اختیار دارد، تصریح کرده بود: از این رو امکان صادرات گاز به صورت فصلی وجود دارد.

است، تبیین کرد: به عبارت دیگر این جزیره به شاهراه

انتقال گاز ایران در خلیج فارس تبدیل شده است. این مقام مسئول با بیان اینکه در آینده با بهره‌براری از طرح توسعه میدان گازی کیش، فروز B و برخی از میداین اقماری جزیره سیری امکان تولید معادل ۴ فاز پارس جنوبی گاز طبیعی وجود دارد، تبیین کرد: با توجه به شرایط تولید گاز در منطقه خلیج فارس ایران می‌تواند نیازهای گازی امارات و عمان را به طور کامل تأمین کند.

زنگ خطر کمبود گاز اعراب و پیشنهاد قراردادهای فصلی

در حال حاضر زنگ خطر بحران کمبود گاز طبیعی در بین کشورهای مختلف حاشیه خلیج فارس همچون کویت، امارات متحده عربی، عمان، عراق، بحرین و حتی عربستان سعودی به صدا درآمده است. در این بین هم قطر هم به عنوان یک همسایه گاز خیز اعراب، بخش عمده‌ای از گاز تولیدی خود را در قالب قراردادهای بلندمدت و تک محموله با LNG با قیمت‌های بسیار بالا به ژاپن، کره جنوبی، آرژانتین، هند، چین و انگلستان عرضه می‌کند که این موضوع منجر به منفی شدن تراز گاز حتی امارات در تابستان‌ها می‌شود. با این وجود برخی از کارشناسان

هم برای کشور به همراه دارد. همزمان با این تغییر و تحولات در سیاست‌های تجارت گاز ایران، هم اکنون زیر ساخت‌های انتقال دریایی گاز به کشورهای عربی در حال آماده‌سازی نهایی است و مسئولان صنعت نفت از جزیره سیری به عنوان هاب جدید صادرات گاز ایران به امارات و عمان و در آینده سایر کشورهای عربی یاد می‌کنند.

سیری هاب جدید صادرات گاز ایران در خلیج فارس

محمود زیرکچیان زاده، درباره ویژگی‌های جزیره سیری برای تبدیل به دروازه‌های صادرات گاز ایران به کشورهای عربی، گفت: این جزیره نفت و گازخیز از موقعیت ژئواثرنی و ژئوپولیتیکی برای صادرات گاز به کشورهای همسایه برخوردار است. مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره با اعلام اینکه سیری با دویی و مبارک امارات ۱۰۰ کیلومتر فاصله دریایی دارد، تصریح کرد: همچنین این جزیره در ۳۰۰ کیلومتری پارس جنوبی قرار گرفته و با بهره برداری از خط لوله سیری - عسلویه حتی امکان انتقال گاز فازهای جدید پارس جنوبی به منطقه سیری وجود دارد. نائب رئیس هیات مدیره شرکت ملی نفت با یادآوری اینکه هم اکنون جزیره سیری با ساخت و رانندازی خطوط لوله به جزایر قشم و کیش متصل شده